



آثار مخرب روانی و اجتماعی دوستی با نامحرم / اهمیت ازدواج و زشتی طلاق

آثار مخرب روانی و اجتماعی دوستی با نامحرم / اهمیت ازدواج و زشتی طلاق

پای درس اخلاق آیت الله مظاهری؛

آثار مخرب روانی و اجتماعی دوستی با نامحرم / اهمیت ازدواج و زشتی طلاق

یکی از مفسد اجتماعی که از عزوبت و تجرد جوانان نشأت می‌گیرد، رواج دوست‌یابی بین دختران و پسران است. قرآن کریم، گناه دوستی و ارتباط دختر و پسر نامحرم با یکدیگر را بزرگ می‌شمارد و آن را در ردیف عمل منافی عفت زنا بیان می‌فرماید. از نظر قرآن شریف، پسر شایسته و دختر شایسته، کسانی هستند که خود پاکدامن باشند، اهل زنا نباشند و نامحرم را دوست خود نگیرند.

به گزارش خبرگزاری مهر متن این هفته جلسات هفتگی درس اخلاق آیت الله مظاهری بدین شرح است:
اهمیت ازدواج

ازدواج و رفع تجرد و عزوبت، از نظر اسلام عزیز اهمیت فراوانی دارد. تأکید قرآن کریم بر ازدواج مسلمانان، نظیر تأکید آن کتاب نورانی درباره قانون مواسات است. چنانکه می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [1]

بر جامعه اسلامی واجب است که دخترها و پسرها را همسر دهند و نگران فقر آنان نیز نباشند، چراکه اگر مؤمن باشند و طبق دستورات اسلام عمل کنند، خداوند، از فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌کند.

پیامبر اکرم «ص» نیز با تأکید فراوان بر ازدواج، فرموده‌اند: اگر کسی که دین و اخلاق او مورد پسند است، پیدا شد، با او ازدواج کنید، وگرنه فتنه و فساد بزرگ پدید می‌آید: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُوهُ إِلَّا تَعْلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ» [2]

بنابراین از منظر قرآن کریم و روایات، یکی از کارهای واجب برای پدر و مادر، آن است که نگذارند پسر و دختر مجرد در خانه باقی بماند و اگر آنها قدرت کافی برای ازدواج فرزندان خود را ندارند، بر دولت اسلامی واجب است زمینه ازدواج جوانان را فراهم کند. اگر دولت نیز قادر نیست یا کوتاهی می‌کند، بر همه مردم واجب کفایی است که به فکر ازدواج جوانان باشند. یعنی همان‌طور که افراد به فکر ازدواج فرزندان خود هستند و برای آنان جهیزیه، مسکن و دیگر لوازم ازدواج را فراهم می‌کنند، باید به فکر همه جوانان جامعه باشند.

نکوهش تجرد

جوانی نزد امام باقر «ع» آمد تا مسئله بپرسد. حضرت به او فرمودند: آیا ازدواج کرده‌ای؟ او پاسخ منفی داد. حضرت با تعجب از تجرد او فرمودند: دوست ندارم دنیا و آنچه در آن است برای من باشد و یک شب مجرد باشم. سپس فرمودند: دو رکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از آن است که مجرد از شب تا صبح عبادت کند و در روز روزه بگیرد. پس هفت دینار به او دادند و فرمودند با آن ازدواج کن. [3] ازدواج، تا این اندازه نزد معصومین «ع» اهمیت دارد. حتی پیامبر اکرم فرمودند: بدترین امت من، کسی است که زمان ازدواج او رسیده باشد، اما ازدواج نکند. «شِرَارُ أُمَّتِي الْعَزَابُ» [4]

متأسفانه امروزه، ازدواج جوانان با مشکلات و موانع متعددی روبرو است. جامعه فعلی از یک سو تحت تأثیر مفسد اخلاقی، اداری و اقتصادی است و از سوی دیگر با مصیبت عزوبت جوانان به عنوان یک معضل اجتماعی مواجه شده است. ازدواج که از نظر اسلام باید بر مبنای سهولت و آسان‌گیری برگزار شود، به یک مسئله بغرنج و مشکل برای خانواده‌ها تبدیل شده و این امر، مفسد فراوانی در پی دارد.

نگرش قرآن کریم به دوستی با نامحرم

یکی از مفسد اجتماعی که از عزوبت و تجرد جوانان نشأت می‌گیرد، رواج دوست‌یابی بین دختران و پسران است. قرآن کریم، گناه دوستی و ارتباط دختر و پسر نامحرم با یکدیگر را بزرگ می‌شمارد و آن را در ردیف عمل منافی عفت زنا بیان می‌فرماید. از نظر قرآن شریف، پسر شایسته و دختر شایسته، کسانی هستند که خود پاکدامن باشند، اهل زنا نباشند و نامحرم را دوست خود نگیرند:

«... مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَحْدَانٍ...» [5]

«... مُحْصِنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ...» [6]

کسانی که این توصیه مهم قرآن کریم را جدی نمی‌گیرند و با جنس مخالف طرح دوستی می‌ریزند، علاوه بر آنکه مرتکب گناه بزرگی شده‌اند، دچار خسارات عظیمی خواهند شد؛ برخی طعمه هوس‌های زودگذر دوست نامحرم می‌شوند و پس از چند صبحی که جذابیت خود را نزد همدیگر از دست می‌دهند، عشق ظاهری خود را فراموش می‌کنند. با این شکست روحی، از نظر روانی آسیب جدی می‌بینند که ترمیم آن بسیار مشکل یا غیر ممکن است و تا آخر عمر، خاطره تلخی در ذهن آنها باقی می‌گذارد و این عقده روانی، اثرات مخربی در زندگی آینده آنان خواهد داشت. در موارد نادری هم دوستی بین دختر و پسر، به ازدواج می‌انجامد که به تجربه اثبات شده است در اکثر موارد، نتیجه‌ای جز طلاق و جدایی ندارد. آنها بر پایه احساسات ازدواج می‌کنند و تخیلات و توهمات، بر عقلانیت آنان غلبه دارد و از فرط علاقه کورکورانه به همدیگر، واقعیت‌های زندگی را نمی‌بینند. اما پس از مدت کوتاهی که عقل خود را به کار می‌اندازند، می‌فهمند اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و از روی ناچاری، راه طلاق را در پیش می‌گیرند.

طلاق، مبعوض‌ترین حلال‌ها

امروزه آمار طلاق، در مقایسه با ازدواج بسیار تکان دهنده است و ما امیدواریم این آمار صحیح نباشد. در دوران قدیم، طلاق بسیار نادر بود و شاید در شهری مثل اصفهان در طول سال، کمتر از پنجاه طلاق واقع می‌شد. از نظر اسلام نیز طلاق، مبعوض‌ترین حلال‌ها شمرده شده است. [7] در طول بیست و سه سال دوران رسالت پیامبر اکرم «ص»، فقط یک طلاق واقع شد و آن نیز مربوط به داستان زید و زینب بود که در سوره احزاب به آن اشاره شده است. [8]

احساسات زودگذر که منجر به ازدواج‌های هوسی و احساساتی می‌شود، به زودی به طلاق می‌انجامد و طلاق، مفاسد اجتماعی دیگری به دنبال دارد.

تضعیف اعصاب در اثر تجرد

از دیگر اثرات تجرد در جامعه، افسردگی و ضعف اعصاب است. دختر و پسری که از لحاظ عصبی افسرده باشند، مسلماً نمی‌توانند برای جامعه خود مفید واقع شوند. افراد افسرده، پس از ازدواج نیز اگر نشاط لازم را به دست نیاورند و به آرامش نرسند، نمی‌توانند به خوبی خانواده را کنترل کنند و در تربیت فرزندان کوشا باشند. افسردگی در زن یا مرد، مانع برخورداری از زندگی شیرین و با نشاط است. اساساً بسیاری از اختلافات خانوادگی، بر اثر ضعف عصب و افسردگی است. زندگی همراه با اختلاف نیز، نوعی مرگ تدریجی است. زن و شوهر در عین رفاقت، باید همدل و در برابر هم خوشرو باشند. وجود افسردگی که به اختلاف می‌انجامد، عامل پدید آمدن اضطراب خاطر و نگرانی است.

محیط خانواده که باید مظهر آرامش و آرام‌بخشی برای زن و مرد و فرزندان باشد، اگر با اضطراب خاطر و نگرانی همراه شد، نمی‌تواند شادی آفرین باشد. همه این مسائل، ناشی از افسردگی در دوران عزوبت و تجرد است. علت تأکید اسلام بر رفع عزوبت از جامعه، دوری از این مفاسد و اجتناب از این مشکلات اجتماعی است.

راهکار اساسی رفع معضل عزوبت

امروزه موانع متعددی ازدواج جوانان را با مشکل جدی مواجه کرده و باعث شده است که جوانان، مجرد بمانند. تجرد آنها هم برای جامعه اسلامی یک معضل اجتماعی محسوب می‌شود و اگر فکری برای آن نشود، خطرات و خسارات فراوانی در پی دارد که ذکر آن در این جلسه اخلاقی نمی‌گنجد. اسلام عزیز، برای آنکه جامعه دچار مصیبت عزوبت نشود، ازدواج را بسیار آسان گرفته است و در صدر اسلام هم سرمشق مناسبی برای ازدواج آسان و اسلامی ارائه فرموده تا بشریت از آن الگو بگیرند. ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا «س» سرمشق مناسب ازدواج برای همگان است.

الگوی ازدواج آسان و اسلامی

امیرالمؤمنین «ع» از شخصیت اجتماعی والایی، حتی نزد پیروان سایر ادیان، برخوردار بودند. حضرت زهرا «س» علاوه بر آنکه دختر گرامی رسول خدا بودند، خود شخصیت والایی داشتند و مورد احترام ویژه همگان بودند. حال، تصور کنید ازدواج آن دو شخصیت نورانی باید چگونه باشد؟ آیا اگر آنها قصد داشتند ازدواج خود را تجمل و تشریفات برگزار کنند، نمی‌توانستند؟ تاریخ گواهی می‌دهد می‌توانستند. اما یک الگوی ارزشمند ازدواج برای مسلمانان و حتی برای بشریت به یادگار گذاردند و به همگان فهماندند ازدواج مورد نظر اسلام، ازدواج ساده و آسان است و ورود تجملات و تشریفات در ازدواج، این ست الهی را به تعطیلی می‌کشاند و مشکلات بزرگی برای مسلمین پدید می‌آورد.

اشاره‌ای به ماجرای ازدواج امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (ع)

پس از آن که امیرالمؤمنین «ع» در خواستگاری از حضرت فاطمه «س» پاسخ مثبت شنیدند، قرار شد مهریه را تعیین کنند، اما امیرالمؤمنین «ع» از

زمان تولد تا شهادت، چیزی از متاع دنیا برای خود نگاه نداشتند[9] و تمام دارایی با ارزش ایشان در آن روز، يك شمشیر بود و يك زره برای جنگ و يك شتر برای کار. قرار شد زره را برای ازدواج بفروشند؛ چون زره را کسی نیاز داشت که بخواهد در جنگ فرار کند، اما علی که «کزار غیر فرار» بود، به زره نیازی نداشت.

مهریه پانصد درهم تعیین شد. مهریه شخصیت بزرگوار حضرت فاطمه «س» که مانند او در دنیا نیامده و نخواهد آمد، پانصد درهم معادل حدود سیصد مثقال نقره بود که ارزش مالی چندانی نداشت. امیرالمؤمنین «ع» زره را فروختند و به عنوان مهریه به پیامبر «ص» دادند. پیامبر نیز جهیزیه مختصری تهیه کردند و هنگامی که آن جهیزیه ساده را دیدند، اشک شوق ریخته، فرمودند: خداوندا، این جهیزیه را برای کسانی که اکثر ظروفشان سفالی و از گل است، مبارک گردان.[10]

بعد، پیامبر «ص» دستور دادند ولیمه ای ساده برای میهمانان آماده شود و به همه مردم اعم از فقرا و خویشاوندان ولیمه دادند. پس از انجام مراسم، حضرت زهرا «س» در میان زن‌ها وارد خانه شوهر شدند. این خانه خارج از مسجد بود و غیر از خانه ای بود که بعدها کنار مسجد ساختند. خانه ای بود بسیار ساده: يك چهار دیواری که خود امیرالمؤمنین «ع» از گل ساخته بودند و سقف آن هم از شاخه های خرما بود. فرش آن هم مقداری شن و یک حصیر بود. خانه بسیار محقر بود، اما در همین کوخ- به قول استاد بزرگوار ما، حضرت امام «ره»- شخصیت‌هایی مثل حسن، حسین، زینب و ام کلثوم «ع» را تربیت کرده، تحویل جامعه دادند.

پس از ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه «س» پیامبر «ص» کارهای داخل خانه را بر عهده حضرت زهرا «س» و کارهای بیرون خانه را بر عهده حضرت علی «ع» گذاشتند. حضرت زهرا «س» از این تقسیم کار بسیار خوشحال شده، فرمودند: هیچ کس جز خدا خبر ندارد که من چقدر از این که پیامبر مرا از اختلاط و سر و کار داشتن با مردان معاف کردند، خوشحال شدم: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّائِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ» [11]

ضرورت بازگشت جامعه به ازدواج اسلامی

قرار دادن هفته‌ای عنوان هفته ازدواج و پرداختن به امور شعاری، مفید است و جای قدردانی دارد، اما مفیدتر و لازم‌تر از آن، بازگشت جامعه به قوانین قرآن و عترت و ترویج ازدواج اسلامی است. جامعه باید در امر ازدواج و نیز در سایر امور، از امیرالمؤمنین و حضرت زهرا «س» متابعت کند. جهیزیه‌های تجملی، مهریه‌های سنگین و توقعات غلط و گزاف، مانع ازدواج جوانان شده است. امروزه حتی خرید اولیه قبل از ازدواج چندین میلیون پول لازم دارد و اگر کسی نداشته باشد، محکوم به تجرد است. همان‌طور که اگر خانواده دختر قادر به تهیه جهیزیه تجملی نباشند، دختر آنان در خانه می‌ماند. دامن زدن به این تجملات و تشریفات که مانع ازدواج سایر جوانان می‌شود، حرام است. فعل حرام فقط دزدی و حقه بازی نیست، بلکه هرکس با رفتار خود، به اجرای صحیح قوانین اسلام ضربه بزند و جامعه را از عمل به سنت مورد پسند اسلام منحرف سازد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

نکوهش سخت‌گیری در ازدواج

آن کسانی که در ازدواج سخت‌گیری می‌کنند و هر روز تشریفات جدیدی برای ازدواج پدید می‌آورند، دانسته یا ندانسته مانع ازدواج بسیاری از جوانان می‌شوند و عملاً دیگران را مجبور می‌کنند پیرو تجملات و پیرو گناهان آنان باشند و توقع خود را بالا ببرند و این، گناه بسیار بزرگی است.

دختری که در اولین برخورد با خواستگار، خانه، ماشین و امکانات تجملی مطالبه می‌کند و به کسی که نتواند توقعات گزاف او را برآورده سازد، پاسخ منفی می‌دهد، محکوم به تجرد است. اما باید با خود فکر کند که آیا در خانه ماندن بهتر است یا ازدواج ساده و اسلامی؟

مادرنی که برای ازدواج دختر یا پسر خود سخت‌گیری می‌کنند، ناچارند شاهد مجرد ماندن فرزند خود باشند و چون تقصیر دارند، گناهکارند. آن مادری که برای ماشین و خانه مجلل، داماد را رد می‌کند یا برای اینکه دختر جهیزیه تشریفاتی ندارد، او را برای پسر خود نمی‌گیرد و اگر بگیرد، عروس خود را سرزنش و ناراحت می‌کند، گناهکار است. عجیب است که برخی از این افراد، برای مظلومیت حضرت زهرا «س» نیز گریه می‌کنند و خود را شیعه می‌پندارند. این در حالی است که امیرالمؤمنین «ع» بدون متابعت عملی، تشیع کسی را نمی‌پذیرند.

پاداش ازدواج اسلامی

نمونه‌ای از ازدواج ساده و اسلامی در بیوت تقلید و علمای بزرگ وجود داشته و دارد و باید الگوی مردم قرار گیرد. البته خداوند هم در ازای عمل به دستورات قرآن و عترت، پاداش بی‌نظیر مادی و معنوی عنایت می‌فرماید و جبران صبر و گذشت مؤمنین را می‌کند.

مرحوم کاشف الغطاء «ره» یکی از مراجع تقلید در دوران قاجار بوده است. ایشان از نظر علمی و عملی زبانزد است و در حوزه‌های علمیه و نزد مردم، احترام ویژه‌ای داشته و دارد. نقل می‌کنند روزی بعد از اتمام درس، خطاب به شاگردان می‌گوید: من دختری دارم که احساس می‌کنم آمادگی ازدواج

دارد. از این رو اگر طلبه متدینی همسر بخوهد، می‌تواند به خواستگاری او بیايد. در آن هنگام یکی از طلبه‌ها می‌ایستد و دوباره می‌نشیند. استاد می‌فرماید: برای خواستگاری به خانه بیا. وقتی می‌آید، مرحوم کاشف الغطاء به او می‌گوید: ازدواج شما از نظر من مانعی ندارد، اما خود دختر باید اجازه دهد. بالاخره با دختر صحبت کردند و رضایت او حاصل شد. بعد از آن طلبه پرسیدند: خانه داری؟ گفت: خیر. کاشف الغطاء فرمود: من یک اطاق اضافی دارم که می‌توانید از آن استفاده کنید. جهیزیه مختصری هم فوراً تهیه کردند و آنها همان شب، زندگی را در آن اتاق ساده و با آن جهیزیه ضروری و مختصر شروع کردند. موقع نماز شب هم کاشف‌الغطاء در زد و آنها را برای نماز شب بیدار کرد.

از آن طلبه و همسرش فرزندان متولد شدند که در شمار علما و مؤمنین بودند و در نسل آنها افراد زیادی مجتهد جامع‌الشرايط شدند. ایشان خاندان نجفی‌ها را در اصفهان تشکیل دادند که از نظر علم و تقوا، افتخار حوزه‌ها و افتخار اصفهان بودند. از نظر مالی هم، خداوند متعال به ایشان عنایت فرمود و همیشه در رفاه بودند، تا جایی که نقل می‌کنند ظلّ السلطان که از سوی ناصرالدین شاه حاکم اصفهان بود، با آنکه ظالم بود و با علما رابطه خوبی نداشت، به علم، قدرت و تمول مالی خاندان نجفی اذعان داشت.

در واقع، جایگاه علمی و معنوی خاندان نجفی و نیز شخصیت اجتماعی که حدود صد سال از آن بهره‌مند شدند، پاداش گذشت مرحوم کاشف الغطاء و ازدواج اسلامی آن زوج است.

بنابراین، هرکس برای رضای خدا فرزند خود را طبق قانون اسلام و با متابعت از اهل بیت «ع» ازدواج دهد، حتماً خداوند متعال پاداش گذشت، ساده زیستی و دوری از توقعات را به او می‌دهد.

مشکل بسیاری از مردم این است که به جای توکل و اعتماد به خداوند، به خود و پول و ثروت خود اتکاء دارند و تصوّر می‌کنند می‌توانند مشکلات زندگی را حل کنند، در حالی که اگر کسی خدا را داشته باشد و برای رضای خدا از اوامر او متابعت کند و به او توکل نماید، خداوند تعالی همه امور زندگی او را اصلاح می‌کند، گره‌های او را باز می‌فرماید، زندگی شیرینی به وی عطا می‌فرماید و از خزانه غیب خود و از فضل خویش هم او را غنی و بی‌نیاز خواهد کرد: «يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» [12]

ازدواج اسلامی با مهریه قرآنی

پیامبر اکرم «ص» با اصحاب نشستند بودند که يك خانم از پشت پرده گفت: یا رسول‌الله! من شوهر ندارم، مرا شوهر بده. پیامبر به اصحاب رو کردند و فرمودند: چه کسی زن می‌خواهد؟ يك نفر ایستاد و گفت: من زن می‌خواهم. پیامبر اکرم «ص» فرمودند: برای مهریه چه داری؟ گفت: هیچ. غیر از این پیراهن که پوشیده‌ام هیچ ندارم. حضرت فرمودند: قرآن به یاد داری؟ گفت: بله، سوره واقعه را بلدم. به خانم فرمودند: حاضری با این مهریه ازدواج کنی؟ گفت: بله و همان موقع، خود پیامبر عقد را جاری کردند و آنها زن و شوهر شدند.

مذمت تجمل‌گرایی در قرآن کریم

سنت پیامبر اکرم «ص» برای ازدواج، چنین است. اما متأسفانه جامعه اسلامی اسیر بندها و موانع ازدواج شده و همه را گرفتار کرده است. امروزه همه مردم اعم از روحانی، بازاری، زارع، دهاتی، شهری، مقدس و غیر مقدس، گرفتار تجمل‌گرایی، توقع و بهانه‌گیری شده‌اند. اما باید بدانند که تا وقتی اسیر بندهای ازدواج هستند، گره معضلات فعلی باز نخواهد شد. تا وقتی جوانان و به خصوص دخترها، پر توقع هستند، معضل عزوبت جوانان حل نمی‌شود. تا وقتی پدر و مادرها تجمل‌گرا هستند، جوانان مجرد در خانه می‌مانند. متأسفانه هرکس به هر اندازه که بتواند تجمل‌گرا شده است. آنان که تمول مالی دارند، مرتکب گناه بزرگ تجمل‌گرایی می‌شوند و آنان که ندارند هم با سختی به دنبال آنها می‌دوند. گناه این طرز رفتار و گناه هر دو دسته خیلی بزرگ است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَاصْحَابُ الشِّمَالِ مَا اصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَيِ الْجَنَّةِ الْعَظِيمِ» [13]

می‌فرماید: دست چپ‌ها چقدر شوم هستند! در روز قیامت زیر دود و هرم جهنم که خود ایجاد کرده‌اند، باید بسوزند و بسازند. چرا؟ چون تجمل‌گرایی داشته‌اند. چون تجمل‌گرایی گناه روی گناه می‌آورد. از جمله معضلات و گناهان ناشی از تجمل‌گرایی، تجرد و عزوبت جوانان است که اکنون یک گره عجیبی برای اجتماع شده است.

علاوه بر آن، گسترش بی‌حجابی و بی‌بند و باری و مفسد اخلاقی در جامعه از تجمل‌گرایی سرچشمه می‌گیرد و به معضل تجرد جوانان دامن می‌زند و سد راه ازدواج است.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. نور / 32
2. كافي، ج 5، ص 347
3. قرب الاسناد، ص 11
4. جامع الاخبار، ص 102
5. مائده / 5
6. نساء / 25
7. الكافي، ج 6، ص 54
8. احزاب / 37
9. كافي، ج 1، ص 457
10. كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 1، ص 359
11. قرب الإسناد، ص 25
12. نور / 32
13. واقعه / 41-